

۲ - عید رضوان عید مبعث

و نیز قوله عزّ و علا: " قَدْ انْتَهَتْ الْاَعْيَادُ اِلَى الْعَيْدَيْنِ الْاَعْظَمَيْنِ اَمَّا الْاَوَّلُ اَيَّامٌ تَجَلَّى الرَّحْمَنُ عَلٰى مَنْ فِي الْاِمْكَانِ بِاَسْمَائِهِ الْحُسْنٰى وَ صِفَاتِهِ الْعُلْيَا وَ الْاٰخِرُ يَوْمٌ بَعَثْنَا مِنْ بَشَرٍ النَّاسَ بِهَذَا الْاِسْمِ الَّذِي بِهِ قَامَتِ الْاَمْوَاتُ وَ حُشِرَ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضَيْنِ ... قُلْ اِنَّ الْعَيْدَ الْاَعْظَمَ لَسُلْطَانِ الْاَعْيَادِ¹ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ رُفْدًا اَيْقُظْكُمْ مِنْ نَسَمَاتِ الْوَحٰى وَ عَرَفْكُمْ سَبِيْلَهُ الْوَاضِحَ الْمُسْتَقِيمَ "

و از حضرت عبدالهء در خطابى است قوله العزيز: " اى ياران از قرار مسموع در بعضى بلاد پنجم جمادى الاولى را عيد ولادت بجهت اين عبد گرفته اند هر چند آنان را جز نيّت خير نه و مقصودشان باينواسطه اعلاء كلمة الله است و ذكر حق در بين خلق اما بنصّ شريعت الهيه و امر مبرم پنجم جمادى الاولى روز مبعث حضرت اعلى روحى له الفداء است لهذا بايد آن يوم مبارك را بنام بعثت آن نير آفاق آئين گيرند و آرايش نمايند و سرور و شادمانى كنند و يكديگر را بمژده آسمانى بشارت دهند زيرا آن ذات مقدّس مبشّر اسم اعظم بود پس جز ذكر بعثت حضرت اعلى روحى له الفداء در آنروز يعنى پنجم جمادى الاولى جائز نه زيرا اين نصّ قاطع شريعت الهيه است اما ولادت اين عبد در آنيوم واقع گشته اين دليل بر الطاف و عنايات الهيه است در حقّ اين عبد ولى آنيوم مبارك را بايد يوم بعثت حضرت اعلى دانست زنهار زنهار از آنچه ذكر شد تجاوز نگرند زيرا سبب نهايت حزن و كدورت قلب عبدالهء شود و من از الطاف بى پايان حضرت پروردگار اميدوارم كه ابرار موفق بعمل بشريعة الله گردند و سر موئى تجاوز نمايند و اين نامه را در جميع بلاد منتشر نمايند تا كلّ مطلع بحقيقت حال شوند و بموجب آن عمل كنند "

¹ شد مرا مسموع از وجه كليم
كاندرين ايام خوش اثنى عشر
در سه روزش نيست جايز شغل و كار
كه بكار خويش جويند اشتغال
آن سه روزى كه متاعش فاخر است
اى بها ايروح بخشا نام تو
چون ز بيكاران ترا باشد نفور
چون ز خلقان دوست دارى كار و بار
كه چنين فرمود خلاق كريم
كه شد از حق عيد رضوان در بشر
ما بقى را اذن هست از كردگار
زانكه بيكاريست مايه اختلال
اول است و تاسع است و آخر است
جانفداى جمله احكام تو
پس منته بيكارم ايرت غفور
كن مرا هم از كرم مشغول كار

(منظومه مثنوى نبيل زرندى است در عكا بسال ۱۲۹۰)

و در اثری بامضاء خادم الله است : " از عید اعظم سؤال شده بود اول آن بعد از انقضاء زوال سی و دوم از عید صیام است که روز اول ، روز اول سی و دو محسوبست و یوم سی و دوم حین صلوة عصر جمال قدم وارد رضوان شدند آن حین اول عید اعظم است که اشتغال بامور در آن یوم اکبر و تاسع و یوم آخر نهی شده نهیاً عظیماً فی الکتاب و اگر در غیر این ایام اشتغال بامری نمایند لا بأس علیهم "

و از حضرت بهاء الله در سورة القلم است قوله الاعلی : " ان یا اهل الغیب و الشّهادة غنّوا و تغنّوا فی هذا العید الذی ظهر بالحقّ و ما فاز به احد لا من قبل و لا من بعد ان انتم تعلمون قد رفع الله فیہ القلم عن کلّ من فی السّموات و الأرض و هذا ما اشرق به حکم القدم من مشرق القلم لتفرحنّ فی انفسکم و تكوننّ من الذین هم یفرحون "

و در اثری از خادم است قوله : " در ایام رضوان فقره ای از سماء مشیّت نازل که قلم برداشته میشود و لکن فرموده اند باید تجاوز از آداب و ما تکرهه العقول نشود این است حکم محکم الهی طوبی لقوم یعملون "

و از حضرت عبدالبهاء خطاب نیریز جناب آقا میرزا احمد علی علیه بهاء الله قوله العزیز : " در خصوص عید رضوان سؤال نموده بودید که یوم اول همان یومی است که دو ساعت بغروب مانده اول عید است و اشتغال در آن جائز نه یا یوم ثانی همان یوم اول که دو بغروب مانده است در آن شغل و عمل جائز نه "

و در خطابی دیگر قوله العزیز : " در خصوص اول عید رضوان استفسار نموده بودید اول یوم رضوان همان روز است که دو ساعت بغروب مانده داخل عید میشوید آن یوم از ایام رضوان معدود "